



# برگزاری پلنوم و دست‌آورد های آن

کار شماره ۱۶۴ - شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۱

بازتاب تارنمای سازمان فدائیان (اقلیت)

<http://www.fadaian-minority.org>

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

# برگزاری پلنوم و دست‌آورد‌های آن

حکومت نظامی اعلام نشده‌ای بر مردم تحمیل شده است. طی این مدت هزاران تن از پیشروترین و آگاه‌ترین بخش توده‌های مردم اعدام شده و یا به زندان افتاده‌اند ابتدائی‌ترین حقوق انسانی از مردم سلب شده است.

روشن است که سیاست سرکوب و اختناق در شرایطی که فقر و فلاکت بر زندگی توده‌های مردم سایه افکنده است نمی‌تواند راه‌حل بحران باشد، از همین روست که ددمنشی‌های قرون وسطائی رژیم قادر نبوده است مردم را به طور کلی از زندگی سیاسی کنار زند بلکه بالعکس تضادهای اجتماعی را تشدید کرده و تا حد انفجار فشرده کرده است. تردیدی نیست که شدت سرکوب و جو رعب و خفقان نمی‌توانست بر اشکال مبارزات توده‌ای و وضعیت سازمان‌های سیاسی تاثیر نگذارد. طی دوران پس از ۳۰ خرداد تحت تاثیر یک سلسله عوامل عینی و ذهنی تناسب قوا موقتا به نفع هیئت حاکمه برهم خورد، با دستگیری تعداد زیادی از عناصر پیشرو و از هم پاشیدگی تشکلهای توده‌ای، بی‌سازمانی در میان توده‌ها وسیعا گسترش یافت. از حدت تضادهای درونی هیئت حاکمه کاسته شد، طبیعی است که این مجموعه شرایط نمی‌توانست توأم با سرکوب‌های دیوانه‌وار رژیم بر شکل جنبش اعتراضی توده‌ها تاثیر نامطلوب نگذارد از همین روست که علیرغم اعتراضات و مبارزات آشکاری که طی این مدت به‌ویژه در میان طبقه کارگر با آن روبرو بوده‌ایم در مجموع شکل آشکار مبارزه از ابعاد وسیعی برخوردار نبوده است، اما به علت اینکه زمینه‌های عینی بحران پا برجا مانده است، نارضایتی مدام گسترش یافته، تضادهای درونی هیئت حاکمه که مدتی تخفیف یافته بود دوباره تشدید شده است و بر این پایه بحران سیاسی به سوی یک بحران پر دامنه پیش می‌رود. از این

پس از گذشت یک سال از اولین کنگره سازمان، پلنوم وسیع مرکزیت، مرکب از اعضاء مرکزیت، مشاورین و مسئولین بخش‌های مختلف تشکیلات برگزار شد. دستور کار پلنوم ارزیابی عملکرد سازمان، برخورد به نارسائی‌ها و مشکلات گذشته و رهنمود برای آینده بود. در گزارش سیاسی کمیته مرکزی سازمان، اوضاع سیاسی جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته و گفته شده است: "طی یک سال پس از نخستین کنگره سازمان در وضعیت سیاسی جامعه و چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی تغییری اساسی صورت نگرفته است بحران اقتصادی و سیاسی که از مدت‌ها پیش جامعه با آن روبرو بوده است، همچنان پا برجاست در زمینه اقتصادی رژیم با وضعیت دشواری روبروست. پا بر جایی رکود در صنایع، بحران مالی، کمبودهای ارزی، افلاس ورشکستگی رژیم، کمبود مایحتاج اولیه و روزمره توده‌های مردم تورم افسار گسیخته، ارتش عظیم بیکاران که همگی بیانگر عمق و وسعت بحران اقتصادی موجود است، مدام شرایط زندگی توده‌های مردم را دشوارتر ساخته و وخامت مطلق و نسبی شرایط زندگی آنها بر حدت تضادها و میزان نارضایتی افزوده است. ابعاد اثرات این بحران بر زندگی مردم به حدیست که به جرات می‌توان گفت طی دهه‌های اخیر شرایط زندگی مردم تا بدین حد وخامت‌بار نبوده است. رژیم جمهوری اسلامی که شاهد رشد روزافزون نارضایتی و اعتراض در میان توده‌های مردم بوده است برای مقابله با انفجار خشم انقلابی خلق از مدت‌ها پیش کوشیده است با تداوم جنگ به مثابه عاملی در جهت انحراف توجه توده‌ها و انتقال بحران به خارج از مرزها و از سوی دیگر تروریسم عریان بر این بحران فائق آید. سر نیزه آشکارا در دستور قرار گرفته است و

رو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تدارک برای یک قیام مجدد همچنان در دستور کار قرار دارد." بر اساس این ارزیابی بر ضرورت مداخله هرچه فعال‌تر سازمان در مبارزه طبقاتی، اجرای مصوبه کنگره در جهت تبلیغ وسیع برنامه عمل و مقابله جدی با هرگونه روحیه انفعال تاکید شده است. مباحث و جمع‌بندی پلنوم حاکی از اینست که در زمینه انجام وظایف فوری سازمان در برخی بخش‌های تشکیلات، کم‌کاری‌های محسوسی وجود داشته که ضمن برخورد قاطع با مسئولین و تمام رفقای که در انجام وظایف قصور ورزیده‌اند، بر پایان بخشیدن فوری به این نواقص و کمبودها تصریح شده است. بخش تشکیلاتی گزارش کمیته مرکزی سازمان پس از کنگره اختصاص یافته است. این دوران یکی از بعرج‌ترین و دشوارترین دوران‌های حیات سازمان بوده است، بر اساس گزارش کمیته مرکزی سازمان، نخستین کنگره سازمان با تعیین خط و مشی تاکتیکی و استراتژیکی سازمان و کشیدن خط و مرزهای مشخص نخستین گام عملی و جدی را در جهت تعیین هویت ایدئولوژیک سیاسی سازمان برداشت "روشن است که همین نخستین گام نیز نمی‌توانست واکنش عناصر اپورتونیست و حامیلین ایدئولوژی‌های خرده‌بورژوایی را که مدت‌ها در درون سازمان جا خوش کرده بودند بر نیانگیزد. کسانی که تا کنون بر اساس یک نقطه مشترک ضدانقلابی دانستن حاکمیت در درون و پیرامون سازمان جمع شده بودند حالا که پای مسائل اسای‌تر ایدئولوژیک - سیاسی به میان آمده بود، دیگر جایگاه خود را در درون سازمان نمی‌دیدند. واکنش گروه مستعفی‌ها در برابر مصوبات کنگره نخستین تجلی یک چنین عناصر و گرایش‌هایی بود. سپس ما شاهد ابراز علنی دیدگاه‌ها تروتسکیستی در کنگره بودیم. آیا یک چنین دیدگاه‌هایی انحرافی یک لحظه از آسمان نزول کرد؟ پاسخ منفی است، واقعیت اینست که این انحرافات ایدئولوژیک از مدت‌ها قبل در درون سازمان به شکل پوشیده وجود داشت، اما مادام که سازمان خط و مرزها و

هویت ایدئولوژیک - سیاسی دادن به سازمان بر داشته شد، الزاما و اجباراً این دیدگاه‌ها می‌بایستی به مخالفت برخیزند. از این رو نخستین کنگره سازمان وضعیت جامعه و تحولات خود ویژه‌ای که در آن مقطع در حال وقوع بود، بنا‌گزیر به بروز این اختلافات دامن می‌زد. این یک واقعیت مسلم و بلا تردید تاریخ است که هر تحول خود ویژه بنا‌گزیر موجب تزلزلات خرده‌بورژوایی می‌گردد در سیلاب این تزلزلات به شکل رفرمیسم و انقلابی‌گری خرده‌بورژوایی بروز می‌نماید تحول خود ویژه‌ای که با ۳۰ خرداد ۶۰ در ایران پیش آمد، موجب این دو سیلاب تزلزلات گردید از این رو پس از کنگره سازمان دوران حادثترین اختلافات و از نظر سیاسی و تشکیلاتی با دشوارترین ایام حیات خود روبرو بوده است." از اواسط بهمن ماه گرایش تروتسکیستی بنا به سنت و شیوه کار همیشگی این طرز تفکر بنای اخلاص‌گری در مناسبات تشکیلاتی را گذاشتند. همان طور که رفقا در جریان هستند و "اطلاعی" آنها این مسئله را روشن کرد این افراد از طریق برقراری مناسبات فرا تشکیلاتی، یک فراکسیون ضدتشکیلاتی ایجاد کرده و در تدارک انشعاب بودند. نخستین تجلی این اخلاص‌گری، خودداری حاملین این گرایش از توزیع نشریه و به دنبال آن استعفای مسئول چاپ بود. چندتن دیگر از افراد این گرایش از اواسط اسفند ماه از پذیرش مسئولیت و یا انجام وظایف محوله سازمانی سر باز زدند. ک. م. سازمان طی جلسه‌ای که در اواسط اسفند ماه تشکیل داد ضرورت فوری برگزاری یک پلنوم وسیع مرکزیت را به منظور برخورد جدی با مسائل پیش آمده را تشخیص داد و زمان برگزاری این جلسه را ۷ فروردین ماه تعیین نمود. اما پیش از برگزاری این جلسه، هرج و مرج تشکیلاتی و مناسبات محفلی نتایج فاجعه‌انگیز خود را به بار آورد. احمد خائن برخلاف دستورات صریح مرکزیت سازمان در ضمن تماس با خانواده‌اش دستگیر می‌شود و به دنبال آن با دستگیری و شهادت تعدادی از اعضا و مسئولین سازمان و اعضا مرکزیت و

متلاشی شدن بخش اعظم امکانات مالی، چاپ و تدارکات سازمان ضربه‌ای بسیار سنگین به سازمان وارد آمد. "ضربه اسفند بیانگر این واقعیت بود که نبود انسجام سیاسی ایدئولوژیک و تشکیلاتی چگونه موجب ضربه پذیری می‌گردد. پس از ضربات نیز این عناصر بنای اخلاص را گذاردند. آنها خواستار تشکیل فراکسیون شدند علیرغم اینکه در کنگره فراکسیون شدیداً محکوم شده بود. در این مقطع تمام تلاش مرکزیت این بود که انشعاب زودرسی صورت نگیرد اما در عین حال در مقابل این خواست آنها قاطعانه ایستاده و نظرات و اعمال آنها را در سطح تشکیلات افشا کرد. و از م. ا. ع دفاع نمود. این حرکت نتایج مثبتی به دنبال داشت به طوری که جز ۴ عضو سازمان کسی هوادار نظرانشان نبود و این گرایش که دریافت بود دیگر جایگاهی در درون سازمان ندارد در تیر ماه طی یک اعلامیه جدائی خود را از سازمان اعلام کرد. طبیعی است که در این دوره یعنی از ضربات تا تیر ماه نه تنها سازمان نتوانست در جهت وظایف انقلابی خود گام‌های اساسی بردارد بلکه به دلیل روابط محفلی و ارتباطات غیر تشکیلاتی آنها امکان بازسازی اصولی نیز نبود. پس از تیر ماه سازمان چند حرکت مثبت انجام داد ۱- اطلاعیه مبنی بر سلب مسئولیت‌های آنها در سازمان و اقدام لازم جهت پیشبرد کار مرکزیت. ۲- انتشار مجدد نشریه کار پس از بازسازی این بخش و گزارش به هواداران در مورد ضربات و انشعاب این جریان ضدتشکیلاتی تروتسکیستی. ۳- تصمیم‌گیری قاطعانه بر روی مسائل مبرم تشکیلات و بازسازی بخش‌هایی از تشکیلات که ضربه خورده بود و ارزیابی وضعیت بخش‌هایی مختلف تشکیلات. ۴- تعیین زمان برگزاری پلنوم و ارائه برنامه پلنوم ۵- شرکت فعال در جنبش انقلابی خلق کرد ۶- حرکت در جهت انطباق تشکیلات با اساسنامه ۷- توجه بیشتر به تشکیلات خارج از کشور. پلنوم اقدام رفقای مرکزیت مبنی بر سلب مسئولیت از عناصر تروتسکیست و اقدام لازم جهت پیشبرد کار

مرکزیت را در آن مقطع بحرانی، اقدامی به جا و کاملاً انقلابی دانست. در زمینه نارسایی‌هایی که در این دوره سازمان با آن مواجه بوده است در بخش‌های مختلف ابعاد متفاوتی داشته است. بخش کارگری سازمان و مسئولین این بخش در این دوره نتوانستند فعالانه وظایف خویش را در قبال جنبش به انجام رسانند در زمینه کمیته‌های مخفی اعتصاب حرکت محسوسی صورت نگرفت وظایف تبلیغی در این بخش از حد تکثیر و توزیع نشریه کار و برخی نوشته‌های دیگر فراتر نرفت کمیته کارگری شرکت فعال در مبارزه طبقاتی نداشته است و در عمل بقای منفعل را جایگزین بقای رزمنده کرده است پلنوم در بررسی وضعیت کمیته کارگری به جمع‌بندی زیر رسید: این کمیته نتوانسته است نقش و اهمیتی را که باید در جنبش طبقه کارگر و رهبری عملی مبارزه طبقاتی پرولتاریا داشته باشد ایفا نماید. کمیته کارگری به بی‌عملی مبتلا بوده دچار خرده‌کاری شده و به مبارزه سیاسی بهای لازم را نداده است و به عوض شرکت در مبارزه طبقاتی و رهبری عملی این مبارزه به دنباله‌روی از سیر حوادث پرداخته است. در عرصه تشکیلاتی از یک سازمان دهی منسجم و مستحکم پرولتری برخوردار نبوده است. کمیته کارگری نتوانسته است تئوری و تاکتیک انقلابی را جذب و هضم و به مرحله اجرا در آورد از این رو به منظور مبارزه با انحرافات و اشتباهات این کمیته ضروری‌ست که در عرصه‌های تئوری و پراتیک اقدام زیر عملی گردد: ۱- آموزش تئوریک، آموزش برنامه و تاکتیک‌های سازمان، آموزش جزوه هسته‌های سرخ و وظایف سوسیال دمکرات‌های روس، چه باید کرد. ۲- برخورد انتقادی کمیته نسبت به عملکرد یک ساله خود، مبارزه با خرده‌کاری و دنباله‌روی از سیر حوادث ۴- برقراری یک ارتباط نزدیک با واحدهای پائینی و ارگان‌های بالائی ۶- تلفیق صحیح کار علنی و مخفی ۷- ضرورت وحدت و انسجام کمیته.

در بخش کمیته‌های مقاومت و جوخه‌های رزمی، به دنبال ضربات پی در پی در این بخش

تا پس از تیر ماه در جهت بازسازی و سازمان دهی مجدد حرکت کرده است و تاکنون فعالیت این بخش در مجموع منطبق با وظیفه کنونی سازمان پیش رفته است. شاخه کردستان در این دوره توانسته است علاوه بر شرکت در مبارزات خلق کرد، با انتشار خبرنامه‌ها و تکثیر مجدد نشریه کار و همچنین اخیراً انتشار نشریه محلی "ریگای‌گهل" وظایف خویش را به انجام رسانده است. شاخه شمال به دلیل این که پس از کنگره یکی از عناصر وابسته به جریان ضد تشکیلاتی تروتسکیستی مسئول این بخش بود و به دلیل تاثیرات مخرب این جریان، پس از ضربات دست به یک سلسله اخلاص‌گری‌ها در مناسبات سازمان زدند که مسئول این اعمال کمیته شمال بوده است و تشکیلات شمال در این نقشی نداشته است و ناآگاهانه مجری کمیته بوده است. حتی چند جزوه که حاوی نقطه نظرات انحرافی آنها بود بدون اجازه مسئول م. ا. ع در سطح شاخه منتشر کردند. دامن زدن به روحیه بی‌اعتمادی و سرخوردگی در تشکیلات از دیگر اعمال آنها بوده است حتی پس از انشعاب جریان تروتسکیست از سازمان در تیرماه، در سطح فعالیت تبلیغی نیز وظایف خود را به انجام نرساند. پس از بررسی و جمع‌بندی حرکت آنها، سازمان مسئول گذشته شاخه برخورد لازم و در عین حال سازنده‌ای صورت گرفت. در بخش‌ها و مناطق دیگری که در حیطه فعالیت سازمان قرار دارد جمع‌بندی پلنوم بر تمرکز عمده نیرو در بخش کارگری و سازمان دهی و تشکل کارگران تصریح دارد. رهنمود پلنوم در رعایت محوری‌ترین امر در زمینه تشکیلات تلفیق درست کار علنی و مخفی بر اساس رهنمودهای کمینترن و در نظر گرفتن شرایط ویژه ایران است.

با توجه به مسائل تشکیلاتی و مشکلاتی که طی این مدت سازمان با آن مواجه بوده است روشن می‌گردد که تنها طی دوره اخیر یعنی پس از تیر ماه تاکنون سازمان توانسته است تا حدی به جلو گام بردارد و خود را برای شرکت در مبارزه طبقاتی آماده سازد.

پلنوم در بحث پیرامون مسئله سازماندهی به نکات زیر تاکید کرد: سازماندهی باید ضمن این که سمت‌گیری حزبی داشته باشد، باید به نیازهای دوران گذر به حزب پاسخ مثبت دهد، با شرایط اختناق منطبق باشد، با نیازهای دوران انقلابی تطابق داشته باشد و همچنین با توان و ظرفیت سازمان همخوانی داشته باشد و از چنان انعطافی برخوردار باشد که در یک شرایط ویژه یعنی در اوج گیری جنبش توده‌ای بتواند وسیع‌ترین افشار خلق را رهبری نماید.

پلنوم وسیع مرکزیت به منظور رفع هرگونه ابهام و برداشت نادرست از قطعنامه کنگره پیرامون برخورد به حزب توده و اکثریت ضروری دید که به این بند قطعنامه صراحت بخشد. کنگره سازمان بر اساس محتوای طبقاتی احزاب و گروه‌های سوسیال رفرمیست و نیز در نظر گرفتن این امر که حزب توده و اکثریت در قبال هدف انقلاب چه نقشی بازی می‌کنند به درستی گرایش طبقاتی آنها و نیز جایگاه آنها را در صف‌بندی‌های موجود تعیین نموده بود اما از آنجا که در قطعنامه گفته شده است که این احزاب و سازمان‌ها "اکنون از ضد انقلاب حاکم حمایت می‌کنند" می‌توانست مورد این برداشت نادرست قرار گیرد که گویا در صف ضد انقلاب قرار دارند اکنون تصریح می‌شود که منظور قطعنامه اینست که حزب توده و اکثریت "اکنون در صف ضدانقلاب قرار دارند."

رفقا! پلنوم اخیر سازمان و برخورد جدی و انتقادی که با مسائل و مشکلات سازمان صورت گرفت علیرغم ستایش از قهرمانی‌ها و از خود گذشتگی‌ها و فداکاری بسیاری از رفقا در دورانی که سازمان از سوی عناصر فرصت طلب از درون و از سوی رژیم جمهوری اسلامی از بیرون در معرض حمله و تهدید قرار گرفته بود، با این وجود ذره‌ای گذشت نسبت به ضعف‌ها و کمبودها صورت نگرفت نشان دهنده روحیه لنینی در درون سازمان ماست که از بحث و برخورد با نقاط ضعف خود باکی ندارد، دلیل قدرت و قوت ما در اینست که این نقاط

ضعف را به بحث می‌گذاریم و می‌آموزیم که بر این اشکالات فائق آئیم.

رفقا! اکنون پس از یک سال از برگزاری کنگره، ترمیم بخش‌های ضربه خورده تشکیلات و درس‌آموزی از تجارب و اشکالات موجود با عزمی راسخ و با ایمانی خلل‌ناپذیر، با تکیه بر استراتژی و تاکتیک‌های انقلابی سازمان، تلاش جدیدی را آغاز می‌کنیم. فعالیت سازمان در سطح کنونی آن به هیچ‌وجه در خور سازمان ما نیست باید با طرح شعار مرگ بر بقای منفعل، زنده باد بقای رزمنده حرکت سیاسی سازمان را در ابعاد نوینی مطرح کرد. ما ایمان داریم که در راه رهایی کارگران و کلیه زحمتکشان بر مشکلات فائق خواهیم آمد. ادامه راه تمام رفقای تشکیلات، کلیه هواداران سازمان چه آنها که در نبرد رویاروی با دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند و چه آنهایی که در زیر سخت‌ترین شکنجه‌های قرون وسطائی رژیم جان باختند و یا به جوخه اعدام سپرده شدند و یا اکنون در زندان‌های رژیم به سر می‌برند بردوش ما قرار گرفته است. تمام انرژی، توان و نیروی خود را برای غلبه بر مشکلات و حرکت فعال سیاسی سراسر به کار گیریم. تمام رفقای سازمان وظیفه دارند که با هرگونه روحیه انفعال مبارزه کنند و هر گونه مانعی که بر سر راه حرکت آنها وجود دارد سریعاً به مرکزیت سازمان گزارش کنند.

کار شماره ۱۶۴ - شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۱